



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۹/۰۹

نصیر احمد مومند

رسالت و مسوولیت های والدین

خدایه! خه شول هغه بنکلي، بنکلي خلک
په ظاهر په باطن، سپين، سپیڅلی خلک

هیڅ خندا می له دي خلکو سره نه شی
ژروي می هغه تللی تللی خلک

از بزرگی پرسیدند: تو برای تربیت فرزندان چه میکنی؟؟؟

گفت: هیچ کار

گفتند: مگر میشود؟ پس چرا فرزندان تو چنین خوب اند؟

گفت: من در تربیت خود کوشیدم، الگوی خوبی برای آنها باشم. فرزندان راستی گفتار و درستی رفتار پدر و مادر را می بینند، نه امر و نهی های بیپوده ای که خود عمل نمیکنند.

با یک مقایسه نظری و عملی بوضاحت تمام درمی یابیم که آیین مبین زندگی ساز اسلام که ناجی بشریت از گمراهی است به بهترین وجه مانند سایر عرصه ها در تشکیل خانواده اهتمام زیاد نموده و خانواده را که از وصلت زن و مرد آغاز و اولاد، پدران، مادران، برادران، خواهران و سایر اقارب و وسعت می یابد و هسته اجتماع و جمعیت های بزرگتر را تشکیل میدهد، فضای صمیمی و پراز محبت و رعایت آداب و اخلاق حمیده و سلسله مراتب را در آن توصیه و تاکید مینماید.

بناء مبرهن است که خانواده واحد اساسی و اولی ساختمان اجتماع محسوب شده و یگانه کانونیست که شخصیت فرد در آن پی ریزی میشود. برای ایجاد یک اجتماع سالم خانواده ای که روابط افراد و اعضای آن بخصوص والدین بر مبنای محبت و صمیمیت و احساس مسوولیت استوار باشد، طفلی که در آن خانواده متولد و بزرگ میشود بامحبت و صمیمیت و فضای آرام و گرم انس و خوگرفته، همین حب و نزدیکی و انتظام موجب استحکام علائق، جذب و کشش و وابستگی طفل یا جوان به خانواده گردیده، مانع دوری و فاصله و بالاخره فراروی از خانه میشود.

ولی برعکس در محیط خانواده ای که این اصل رعایت نگردیده، فضای خانواده مکرر، نزاع و جدل، بگوومگو، دسپلین خشک و بیروح فاقد پیام و دیکتاتور مآبانه والدین فضا و کانون گرم را مختنق و محیط را برای اولاد هائنگ و دلگیر میسازد. بناچار اولادها بخاطر رهایی از چنین وضع به چیزها و جاهای دیگر پناه میبرند، گرایش و وابستگی شان از خانه گسسته شده در شرایط سردرگمی بسر برده در صدمه مونس و همدم بیرون از خانواده میگردند و به مسکرات و مواد مخدر و سایر افعال ناسالم و ناشایست رو آورده به اصطلاح غم غلط میکنند تا به سرحد اعتیاد و انحراف.

ازینرو وقتی کمی وارد عمق موضوع شویم و درنگاپوی راه های بیرون رفت و جلوگیری از ینگونه مسایل خانمانسوز و تپاه کن اجتماعی می برابیم مشاهده میکنیم که در بیشترین اصول و مبادی و نظریات بر پهلوهای مادی زندگی در اکثر خانواده هاتاکید صورت میگیرد و اراج گذاشته میشود تا پهلوها و ارزشهای معنوی آن، که زیاده روی در این امر سبب میشود تا والدین از ایفای رسالت و مسوولیت هایشان باز مانند.

بناء هرگاه بطور اختصار بگوئیم، خانواده ای که از نظر «معنی و ماده» غنی باشد همیشه خوشبختی را هم در خود وهم در اجتماع بوجود می آورد و خانواده ای که از نظر «معنی» تهی و بر مبنای ماده استوار باشد مثلثیکه در فوق ذکر رفت

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

وما در محیط و ماحول خود مثالهای زنده آنرا ملاحظه و مشاهده میکنیم ، بدبختی ، فساد ، خود سری و خودگامگی ، بی بندباری و مصیبت های بزرگ را بار میآورد . لذا منشاء و سرچشمه بسیاری از ناهنجاری ها و انحرافات و مصایب بزرگ خانوادگی و اجتماعی را میتوان از همین جاودر فقدان یک نظام صحیح و سالم خانواده جستجو کرد . « از همین جاست که نظام سیاسی و مملکتی ما هم بر طبق اوضاع و احوال خود ما بوجود می آید» .

وقتی ما بانگشت سبابه به ملامتی سازمان ها و حاکمان لشکری و کشوری اشاره مینمایم و همه ملامتی و مسوولیت ها را به آنها حواله مینماییم ، غافل از آنیم در عین زمان که سه انگشت قات شده دست به ملامتی به طرف خود ما اشاره دارد که این بار ملامتی هامحصول غفلت و بی التفاتی به کانون تربیت و پرورش خانواده گی و سوء اداره و دسپلین است که چنین حالت را بار آورده است و چنین فرزندان ناخلف و ناهل را در دامان خود پرورده ایم .

بخاطر دارم که در گذشته ها والدین و بزرگان فامیلها و خانواده های افغان در مواقع مهمانی ها ، در مساجد و حتی در « پیتو ها محل اجتماع زمستانی مسکونین قریه در دهات» و یکجاشدن با دوستان مطابق معمول بجای غیبت و مذمت ها رقص و قرص و مکس و ووو ؛ ضمن قصه های شریین و دلپذیر علمی و تاریخی آموزنده از آنعده اولادهای شان که دارای استعداد و ذکاوت ، تربیت نیکو و اخلاق حمیده و پسندیده افغانی اسلامی می بودند و وقت خود را بیهوده و عبث نمی گذشتانده و مصدر کارهای خوب میکردند ، به رسم افتخار یاد میکردند و به جمعیت معرفی مینمودند و ازین طریق پای آنها را به اجتماع و درک و قبول مسوولیت های اجتماعی شان میکشاندند ، در پهلوی تعلیم و تربیه در پرورش شخصیت سالم اجتماعی باروحیه و احساس ملی و خدمتگذاری صادقانه آنها نیز توجه مبذول میداشتند . آنها را اعتبار و پرستیژ میدادند و سایرین و حاضرین هم بجای حسادت و تخریش و بی تفاوتی ، علاقه میکردند و با دقت جریان را می شنیدند و در لابلای کنجکاوای ها با داشته ها و نصایح آموزنده و رهنمایی های مهربانانه خویش زمینه های تشویق و رشد بیشتر آنها را فراهم مینمودند و با کلمات نغز و شریین تحسین می گفتند که بچه چشم و چراغ خانواده و وطن شده و آینده درخشان در پیش رویش دیده میشود .

در سن خورد سالی قراردادشتم شاهد و بیاد دارم که بزرگان خانواده هما خصوصا هنگام اجتماع فامیل و دوستان بخا طرادای دین و مسوولیت خویش در انتقال ارزش های حیاتی فامیلی و اجتماعی به اطفال و جوانان و تربیه و پرورش آنها با روحیه مردمی و وطن دوستی ، وحدت و همبستگی ملی ، صداقت و امانتداری قصه ها و اندرزهای شریین و پرمحتوای گفتند . یکی از آنها « اندرز پیر مرد و پسرانش» بود که واقعا در گوش دل هر طفل و جوان و هر پیر و برنای افغان اعم از زنها و مردها که با اصطلاح در دستر خوان پدر بزرگ شده جا گرفته و در زندگی عملی در سطوح مختلف خانوادگی و اجتماعی مطرح نظر بوده مورد کاربرد قرار داشت .

بزرگان پیوسته با زبان ساده و دلپذیر قصه پیر مرد صاحب دلی را میکردند که تا آخرین لحظه و رmq حیات از مسوولیت هایش غافل نشده و شانه خالی نکرده بود . پیر مرد خردمند از بیست و نهمین روزهای پدرو حیاتش خواست باخذ امتحان از فرزندان اطمینان حاصل کرده و با خاطر آرام رخت سفر ابدی ببندد ، بر رسم وصیت از اهلهش خواست تا دسته ای «قوده» از شاخچه های رساو نوس درختی را قطع کرده بیاورند ؛ بعد آماده شدن هدایت دادکه از سه قسمت آنرا بارشده ای محکم ببندند و آنگاه پسران را دعوت به شکستن آن نمود .

پسران که هر کدام به ترتیب سنی خورد و بزرگ صاحب جسامت ، زور بازو و قوت پنجه شده بودند ابراز شخصیت و اظهار منمی می کردند از شکستن آن قوده یا دسته چوب عاجز آمده ، ناکام و شرمنده ماندند . سپس پیر خردمند و آگاه جهان دیده و صاحب تدبیر و فراست رشته یارشده را از دسته چوب با زکرد و هر شاخچه را یک یک جدا از هم با دستان ضعیف و لاغر خود هر کدام آنرا شکست و تا سرحدی پارچه پارچه و خورد خمیرش نمود که دیگر امکان نام اثر و نشانه و شکلی اولی از آن شاخچه های رسا و زیبا و با ارزش نماند و به این ترتیب درس عملی و آخرینش را بر رسم وصیت و دین ارایه داشته و با تشریح مرام و پیام عملش خطاب به فرزندان و اهلهش چنین گفت :

« بعد از من گنجینه های و افروبا ارزش مادی و معنوی برای شما به مثرات خواهد ماند که در صورت حفاظت و پاسداری هوشیارانه و با استفاده مشروع و معقول زندگی مرفه و آبرومند شما را تامین خواهد کرد و این بیشتر به وحدت و همبستگی صادقانه و خردمندانه شما ارتباط میگردد که مانند دسته چوب همبسته و متفق و یکجا باشید و در آن صورت هیچ قوی پنجه ای نمیتواند شما را بشکند . مسلما در عکس صورت بامنفرد و متفوق شدن شما هر دست ضعیف و علیل و مریض هم بشما غلبه حاصل کرده و همه چیز را از شما میر باید حتی هستی و زندگی از کف شما خواهد رفت . گوسفند تنها را زود و به آسانی گرگ می بلعد» .

با این چنین شیوه ها در واقع هم مجلس را فضای باز بخشیده و از حالت انجماد ، خشک و بیروح خارج نموده شاد و گرم میساختند و هم در حقیقت حق حضور و اشتراک اطفال و جوانان هم ادا و زمینه یک گرد هم آبی و سرگرمی مشروع و مفید در عین زمان یک رقابت سالم را نیز در بین خانواده ها و بخصوص جوانان ایجاد کرده و براه می انداختند . چنین سلوک و پیش آمد ها سبب میشد تا اطفال و جوانان به حلقه و کانون گرم خانواده و دوستان دلگرم و علاقه مند شده جای ، حقوق و مسوولیت های خویش را درک و خودش را پای بند فرهنگ و کلتور ، ارامی و سر بلندی فامیل ، اجتماع و کشورش دانسته ؛ آداب و دود و دستور و اصول پسندیده حاکم و اقتضای جامعه خود رانه تنها که درک

،بیروی و رعایت می کردند، بلکه احساس مسوولیت مینمودند تا در حفظ و حراست و همچنین رشد و توسعه آن نیز سهم خود را اداکنند.

این چنین صحبت هاوهمین دیدوبازدیدها سبب وسیله موثری بود، بخاطر بلند بردن سطح دانش وآگاهی آنها تا از تجارب و اندوخته های بزرگان استفاده اعظمی بعمل آرندوبیا موزند که فامیل ، جامعه و وطن از آنها چه توقع و انتظار را دارندو چگونه این دانش و اندوخته ها را عملاً در خدمت رفاه و سربلندی و حفظ آبرو و ارزشهای خانوادگی ، اجتماعی و ملی قرار دهند و چطور پل مستحکم بین گذشته پرافتخار و زمان حاضر و آینده یا مستقبل جامعه خویش ایجاد و آنرا استحکام بخشند و دین و رسالت خود را با امانت داری و صداقت حرف و عمل ادا کنند.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ